

شیوه‌های اسلامی تفتیش عقاید

آقابان، تنها راه اعمال حاکمیت خود و حفظ نظام سرمایه داری را در احیای دیکتاتوری یافته‌اند.

انتشار و افشای اسناد، مدارک و اعلامیه‌ها درباره‌ی احیا و بازسازی سازمان یافته شیوه‌ها و دستگاه‌های علمی سرکوب‌گر و دیکتاتوری عقیدتی - سیاسی همواره هشدار دهنده‌ی آنست که علیرغم تمامی تبلیغات و ادعاهای رنگ باخته سردمداران هیات حاکمه و شرکا، دستگاهها و شیوه‌های ضد مردمی تفتیش افکار از طرف و سازمانهای گوناگون پلیسی از طرف دیگر، تحت حمایت همه جانبه مضحکه سازان بکه تا زمان حاکم، ضربه‌های سنگین متعاقب گیرنده گسترش میابند. کمترین از یکسال پس از پیروزی قیام و در گرما که عمق کنیری روز افزون جنبش انقلابی و همراه با شدت یابی افزایش یافته‌ی بحرانهای اقتصادی - سیاسی هیئت حاکمه، "ساواک" اینبار نه به صورت یک سازمان پلیسی - سیاسی بلکه و بعلاوه همچون یک دستگاه فشار همه جانبه عقیدتی شاخکهای سیاه خود را بر کلیه نهادهای اجتماعی تا حد زیادی تثبیت کرده است. آقابان عالیجاه، بازیگران و بازیچه‌های این صحنه‌گردانی رسوا، در هیات برکزیدگان و رهبران از پیش زرشکته با پایمال کردن دستاوردهای قیام و همچون قیمه‌های حقوقی و شرعی مردم، خیلی سریع و با شتاب، تنها راه اعمال حاکمیت خود و حفظ نظام سرمایه داری حاکم را در احیای دیکتاتوری یافته‌اند، و از اینرو برای جبران ناتوانی خود در اعمال دیکتاتوری پلیسی - نظامی چاشنی عقیدتی را بکار گرفته‌اند. اینان که پیروزی آسمان و بکه تازی موقتی در صحنه‌ی سیاست، باین باور کاذب کثافت‌نشان که عقیدت مطلق فرا تاریخی و حاملان کلید بهشت

برای "احیای الله" میباشد با معیارهای تنگ‌نظرانه، پنداره‌های عقیدت‌ساده و دستمالی شده خود را، محورکرانه، میبای ارزیابی افراد، مکاتب و نیروهای اجتماعی قرار داده و سریعاً به دامی افتادند که سرمایه داری وابسته آنرا ناکزیر میکند. بازسازی هر چه سریعتر و گسترده‌تر دیکتاتوری و لاجرم دراز کردن دست‌کدائی به طلب‌سازی بسوی کارگزاران و عملگران رژیم سابق ساواک شاهنشاهی و مسند نشینان عالیجاه ترکیب شیوه‌های مدرن ساواک آریامهری و روشهای اختناق عقیدتی - مملکتی موریانه خورده قرون وسطائی کاریکاتوره‌های بی بدیل و حقیر مملکت داری آریامهری تبدیل شده نگاه‌ی به روند باز آفرینی دیکتاتوری در تمام سطوح و ابعاد اجتماعی این امر را بخوبی نشان میدهد. مراکز آموزشی از همان آغاز یکی از اهداف اصلی سیاست ارتجاعی احیای دیکتاتوری از طریق تصفیه‌ی معلمان مبارز و مترقی از سوی و ایجاد محیط رعب و وحشت از سوی دیگر بودند. آقای بهشتی و شرکا نقش سازنده و فعال دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و استادان را در مبارزه علیه رژیم شاه بخوبی به یاد داشته و از خطر گسترش اندیشه‌های انقلابی در میان جوانان ما بخوبی آگاه بودند. مراکز آموزشی همواره یکی از سنگرها مبارزه مردم ما علیه رژیمهای خود کامة بوده و مدارس و دانشگاهها همیشه و بویژه در شرایط اختناق و عدم وجود احزاب و گروههای سیاسی، همچون جایگزینی برای نهادنگای سیاسی محلی برای آموزش اندیشه‌های انقلابی و گسترش آگاهی سیاسی

بوده‌اند. معلمان مبارز مترقی همواره نه تنها مدرسان دروس آکادمیک بلکه و بعلاوه آموزگاران رندکسی بوده‌اند و از اینرو و درست بهمین دلیل است که معلمان و مراکز آموزشی آماج حمله سیاست ارتجاعی هیات حاکمه قرار میگردد و جنبه‌ی سیاسی تا حد نبرد فرهنگ و توحش گسترده میشود. هیات حاکمه آشکارا و با وقاحت کامل شیوه‌های ساواک آریامهری را در مراکز آموزشی بازسازی کرده و آنچه در این یکسال بر معلمان و دانش‌آموزان گذشته است کوه روشن این واقعیت است. در حالیکه کمبود معلم یکی از اصلی‌ترین نارسانیهای نظام آموزشی ما است و در حالیکه هزاران دبیر و دبیرانسی بیکار مشتاقانه خواهان اجازه‌ی تدریس در مدارس میباشند، باند رجائی به اخراج معلمان آگاهی آغاز کرده است که تنها جرمشان "نه" گفتن به ولایت فقیه، مضحکه بازی مجلس خبرگان و تن ندادن به انقلاب به روایت آقای بهشتی است. اخراج ۳۰۰ معلم شاغل (اطلاعات مورخ ۱۳/۸/۵۸)، اعتراض گسترده کانونها و شوراهای مترقی معلمان به سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش، نحوه‌ی انتخابات داوطلبان معلمی چه چیز را نشان میدهند. هیات حاکمه علیرغم در اختیار داشتن کلیه‌ی پرونده‌های رژیم سابق مصرانه از افشای نام منابع و همکاران ساواک در مراکز آموزشی خودداری میکنند و در همان حال و بر اساس شیوه‌های ساواک شاهنشاهی برای معلمان مبارز پرونده میسازد. صحنه‌گردانان رژیم کنونی که بسرعت درک کرده‌اند برای حفظ نظام سرمایه داری چاره‌ای جز دیکتاتوری ندارند سعی میکنند

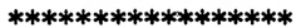
اعمال و روشهای خود را پشت مفاهم تو خالی و بی محتوی پنهان کنند اما ملت ما اگر چه هرگز این فرصت را نداشته است که دموکراسی را تجربه کند ، دیکتاتوری را حتی در قالب سب و پوشش کلمات انقلابی بخوبی می شناسد . پاسخ وزارت آموزش و پرورش به اعتراضات گسترده معلمان نسبت به اعمال دیکتاتوری بیا ، همواره همان پاسخ مرسوم و شناخته نمای رژیمهای فد مردمی و دیکتاتوری است : اخراج ، تبعید ، انتقال و بازنشسته کردن اجباری معلمان و کادر آموزشی ، ایجاد محیط تهدیدوار عاب توسط گروههای فشار ، از بین بردن امنیت شغلی ، تصفیه دایمهدار مدارس و دانشگاهها از معلمان انقلابی ، منع فعالیت سیاسی در مراکز آموزشی ، سعی در تبدیل شوراها ی مدارس به دانشگاهها به کارگزاران اجرائی سیاستهای ارتجاعی و ویژه گسی و تمایز روشهای هیات حاکمه کنونی بیشتر در بی پردگی و وقاحت آن است و نه در مضمون و هدف این اعمال .



پرسشهای امتحانی داوطلبان پیشه معلمی گواه دیگری بر مضعیری افزایش یافته ارتجاعی هیات حاکمه است . هنگامیکه پرسشهای امتحانات داوطلبان رشته های علوم تجربی مانند فیزیک ، شیمی " ریاضیات و چیزهایی در حدود رسالات اجتهادی از آب در می آید و معیار صلاحیت علمی ، آکادمی بر سولاتی از قبیل اینکسه پیغمبر اسلام چه نوع زنی را توصیه میکرد ، شکایات نماز ، و ... باشد ، هنگامیکه معیار انقلابی بودن پذیرش اسلام و انهم بروایت و به تفسیر آقایان رهبران حزب جمهوری اسلامی باشد تکلیف همه کس از پیش روشن است و جای هیچگونه ابهامی نیست . سند زیر که توسط یکسری از سخنرانان کردهائی ۱۹ آبان لیسانسه های بیکار خوانده شد گواه دیگری بر ورشکستگی هیات حاکمه است . در زمان شاه سابق ، ساواک بر اساس پرونده های خود معلمان و کادر آموزشی مراکز آموزشی را طبقه بندی میکرد ، این طبقه

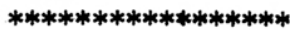
بندی ونظریه ساواک مبنای اصلی سابقه اداری و معیار اصلی هر نوع استخدام ، ترفیع و ... افراد بوده و طبیعی است که معیارهای ساواک برای طبقه بندی داوطلبان پیشه معلمی و معلمان نه صلاحیت علمی ، اخلاقی و سیاسی بلکه میزان وابستگی و سرسپردگی به رژیم شاه ، انقلاب سفید کذائی و حزب رستاخیز بوده بیاد آریم که چگونه کتاب انقلاب سفید بمثابه یک کتاب درسی تدریس میشد بیاد داریم که در امتحانات ورودی کلیه ادارات دولتی و از جمله آموزش و پرورش همیشه پرسشهایی درباره خاندان پهلوی انقلاب سفید و چیزهایی از این دست نشان دهند و میزان علاقمندی داوطلب به رژیم حاکم و معیار پذیرش او بود و حتما بیاد داریم که با وجود تمامی این ترفندها ، رژیم نتوانست از رشد انقلاب در مراکز آموزشی جلوگیری کند و حالا ما نمیدانیم که طبقه بندی ارائه شده در سند زیر که پسرای داوطلبان پیشه معلمی از طرف وزارت آموزش و پرورش تنظیم شده است چسبه تفاوتی با طبقه بندیهای ساواک دارد . طبقه بندی و اساسا هر نوع ارزشیابی بایستی بر اساس ضوابط علمی و انقلابی و توسط تنها مرجع صلاحیت دار یعنی شوراها ی معلمین انجام شده هر نوع ارزیابی و پرونده سازی در اطاقهای بسته و توسط مراجع معلوم الحساب و بر مبنای معیارهای رستاخیزی در قالب اسلامی رنگ شده چیزی جز احیای دیکتاتوری نظام شاهنشاهی نیست و هر چند سرمایه داری ایسران راهی جز این ندارد . طبقه بندی سند زیر نشان میدهد که آنچه از نظر هیات حاکمه اهمیت دارد وابستگی به انقلاب ، صلاحیت علمی ، اخلاقی و سیاسی نیست . اسلام به روایت آقای بهشتی - که مصوبات مضحکه باری خبرگان نمونه هائی از آنست - و نظم با تفسیر سرمایه داران تنها معیار طبقه بندی و پذیرش داوطلبان است و آنچه به این سند اهمیت می بخشد هماهنگی آن با دیگر

مدارک و وقایع ارتجاعی است که نمایانگر یک سیاست تدوین شده و همه جانبه احیای دیکتاتوری است .



فرم سؤالات

- نام و نام خانوادگی _____
 ۱ - متعهد و متدین و عامل به اسلام و انقلاب
 ۲ - متدین و عامل به اسلام ولی حاشیه نشین در انقلاب
 ۳ - معتقد غیر عامل به اسلام
 ۴ - ضد دین و انقلاب
 نام و نام خانوادگی گروه _____
 تحقیق با امضاء _____



بقیه از صفحه ۴

مسائل نظری میکشاند خواننده کمی توجه را کمراه خواهد کرد و میتواند چنین القا شبهه کند که مخالفین ترهای آنها صرفا همین چپ نماهای تروریت هستند . بدین جهت است که ما با آنکه فکر نمیکنیم مطابق معیارهای مجاهدین ، چپ نما باشیم ، بحث در مورد مقالات فوق را وظیفه خود دانستیم . خاصه آنکه سوتیتر مقاله اول " پیغام مجاهدین به مارکسیستهای اصولی تعیین شده و گرچه این سوتیتر در مقاله دوم بدلیلی که نمیدانیم حذف شده است معهدا امیدواریم که حمل بر خودپسندی نشود اگر خود را چپ نما مارکسیستهای اصولی بدانیم که بنا نحوه ی برخورد مجاهدین به مارکسیست نماها و نیز محتوای پاره ای از مطالب آن مخالفند . در مقالات آینده نشان خواهیم داد که اشتباهات اساسی در ترهای مبارزاتی مجاهدین موجب میشود که بسیاری از حرکات و موضع گیریهای نیروهای چپ را چپ روی تلقی نمایند و حال آنکه چنین نیست و اختلاف در ریشه های ایدئولوژیک و بینشی است و نه در تحلیل سیاسی و تعیین شعار مبارزاتی .